گر کند رفع صورت مکروه دان / چونکه گفت است آن شریف جناب
او تشبه نمود با اهل کتاب
اینچنین در کتاب مغنی / در ظهیریه هم فوائد جان
در الغایب الاجابت آورد
گر جنازه بدیده نیز دمرد / در صحیح سخن کرامت دان
چونکه مسوخ گشته بود بهان
در جنازه سوار دانست بعید / گفت باشی در و نباید دید
گر سوار او بود قبر بسا کرد
گفت مکروه ایش شریعت سط / در بیان دفن کردن میت
چون زکاة و فرائض است سنن
پست و فرزند مات لحد / در سوار قبله حفر کنند
یعنی از قبر نام او است لحد
مگر آنکه بود زمین سست / بعد از آن بنزد مات و راست
اینکه در وسط قبر میازند
مرده که در حفره اندازند / شق میگویند اینچنین باشد
ناخذ شافعی چنین باشد
مرده را نزد ما یقین دانند / سوی قبله جنازه شاش نمایند
مرده را از جنازه بردارند
بهمین نحو در لحد آرند / شافعی گفت در منع سفت
بیقین او بسل سلا گفت
گفت منع سل چنین دانند / مرد بر رس قبر حرزی مانند
سر مرده بنزد آن خوشحال
یعنی عند الموخر قبر او / کش از سوار رس او زان کل
یعنی بر قبر مرده واضع کسل
ذکر کرده است بو الحارم هم / یعنی شافعی ز اهل کرم
مثل قول فقاوی کافی
او لاذکر کرد آن دراغ / قول شمس الائمه گفت اما
صورت سل کشیدن است از ما
در حلوة خفقه مسعود است / نزد اصحاب ما که فرمود است
جمد را رند مرده را آن
یعنی شافعی ز سر اما / شرح او را دلیل باشد هست
نقل کرد از فتح وی جست
طول قبر است قامت انسان / عرض او را نوشته لفظ آن
قول معنی است عمق او نافی
گفت بخرست پاره دفن / در خبر هست چونکه با تحقیق
قبر خواهی خود کنید عمیق
واضعین طاق باشد یا جفت / از مخاطب هر دو جایز گفت
بسکه واضع زمالحین باشد
نیکتر اقربای این باشد / لیکن زن را در زمین خالی
می بمانند محرمان او
بنود محرمش یقین دانند / عالمی بنکه هست میمانند
ندرایند زنان بنهان زن

چونکه

چونکه باشد مخالف السنن / نیز این شرح بیان نیکو جو
نقل کرد از بیان احکام او
بنود محرمان زنان دهند / پیر مردان صالحی نمانند
بنود پیر صالحی در آن
می بمانند صالحان جوان / در هدایه ز اهل دین گوید
واضع مرده اینچنین گوید
رسول الله و علی رسول الله / عقده ها را ز گره بنمانند
رو را و سوی قبله کرد نهند
مرده زن بی باش بگذارند / پرده وقت دفن میدارند
لحدش را بالبن چینند
چونکه ناظر در آنی بینند / لیک اندر لحد بماندن مرد
پرده بر قبر او نباید کرد
خشت پخته و چوب بر روی / گفت مکروه آن شریعت سط
لیک روی کنند خشت خام
چونکه ثابت از رسول انام / گفت لا باس بالعقب آنش
گفت از جامع الصغیر آنه
مستحب است خشت خام عجب / چونکه در قبر آن محراب
نیز زکانیکه علم دین خواندند
گفت بند قصب و دو ماندند / چون لحد را که رست بسازند
بعد بر قبر خاک اندازند
صورت قبر را کنند تسنیم / این بود سنت رسول کریم
از دم شدت نهی بی
علم آموز اگر خدا طلبی / از خدا دم قیامی نشناد
قبر مرده که جوان مسنم باد
رفع از ارض قدر نشرت آب / نیز بر قبر خاک پاشند آب
نیز با قبر مرده کج کردن
هست ممنوع پشت بر طین / بو الحارم بزرگ راه نورد
چون ز الفتح خط نقل آورد
سر قبر از بنا و یا علام / گفت مکروه بو حنیفه امام
نزد بو یوسف طریق نما
کره فرمود او کتابت را / ور لب از دو قبور را طین
از خطا نه نوشت کرد این
لیک از مفرات الحی ز / گفت تطیین بقبر کره شمار
نیز گفت آن بزرگ را اسما
آدمی مرد در کدین جا / یعنی در قبرگاه آن منزل
مستحب است ماند زاجامل
مرده آدمی بجای دگر / می برند نعش بر دو فرا کر
جز نمی گفت است آن پاک
قدر میلین برد خود پاک / گفت امام حسین پاک نهاد
این سخن کرد مستحب باد
پیر سنگ حفظ او است دلیل / کره باشد زیاده از دو میل
شیخ الاسلام آن دین بهر

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)